



مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی
مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی

سایه‌های باستانی ایران جنوب غربی

محمّد سلیمان

آقون چشم‌م. ماهی
آقون چشم‌ب. ماهی

تألیف
گیرشن

با همکاری
مادم تانیا گیرشن و کاش معمار

ترجمه اصغر کزیری

تهران، ۱۳۹۸

نیایشگاههای باستانی ایران جنوب غربی	نام کتاب
محوطه مسجد سلیمان	
رومن گیرشمن	تألیف
تانیا گیرشمن و گاش	با همکاری
اصغر کریمی	ترجمه
مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی	ناشر
(مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی)	
ک. آه طراخی ایرانشهر، رضا فرزانه یار	طراخی و سرت چاپ
ره با، افراس	صفحه آرا
مهسا رانی	تصویری (بخش دوم)
رپ	لیتوگرافی
شادر	چاپ
معین	صحافی
۱۳۹۸	چاپ نخست
۲۰۰ نسخه	شمارگان
۹۷۸-۶۲۲-۹۵۶۰۴-۳-۳	شابک
۱۴۰،۰۰۰ تومان	بها

گیرشمن، رومن، ۱۹۸۵-۱۹۸۲ م Ghirshman, Roman

جایگاههای باستانی ایران جنوب غربی محوطه مسجد سلیمان: از هشتاد و شش میلاد (مادها) تا قرن پنجم بعد از میلاد (ساسانیان)/ نوشته رومن گیرشمن، همکار، "تاریخ گیرشمن و گاش؛ ترجمه اصغر کریمی.. تهران: مرکز دائرةالمعارف، ردف اسلامی، مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی، ۱۳۹۷، ۷۰۶ ص

عنوان اصلی:

"Terrasses, creesd Bard-e Masjed-e Solaiman et Masjid-I solaiman"

۱. مسجد سلیمان.. آثار باستانی، د. سنده.. آثار باستانی، ۳. خوزستان.. آثار باستانی. الف. گیرشمن، تانیا، ۱۹۸۲ م. Ghirshman, Tania. الف. گاش، هرمان Gasche, Hermann. ج. کریمی، اصغر، ۱۳۱۹. مترجم. د. عنوان

۹۵/۰۸

۹۵۵/۰۰۴۳

محل نگهداری: کتابخانه ملی ایران

فهرست

پیش درآمد	۱
مقدمه	۳

بخش اول

برد نشانده

فصل اول

محوطه	۹
وضعیت	۹
محیط و نام محوطه	۱۰
ترکیب محوطه	۱۲
کاخ	۱۲

فصل دوم

تختگاه مقدس	۱۷
تختگاه بالایی	۱۷
پلکان جنوب غربی	۲۲
پلکان شمال غربی	۲۲
نقش بر هسته‌ای با صحنه ادای نذر شاهانه	۲۵
پودیم [فضای مقدس] [سکوی زیر محراب نیایش]	۳۰
کشف روی تختگاه بالایی	۳۲
نیایشگاه	۳۷
پلکان شمال غربی	۳۸
قالب بندی شمال غربی	۴۴

فصل سوم

صفه پائینی	۴۷
معبد چهار ستونی	۴۸
مسجد سلیمان	۶۳

فصل چهارم

تختگاه مقدس، عصر پارس	۶۵
تختگاه اول، قالب بندی	۶۵
پلکانها	۶۷
قالب بندی شرقی	۶۸
پودیم و آتشگاه	۷۲
آثار کشف شده در پودیم	۷۷

فصل پنجم

تختگاه مقدس، عصر سلوکی	۸۳
توسعه تختگاه مقدس	۸۴
پلکانها	۸۵
نیایشگاهها	۸۸
الف. معبد بزرگ	۹۰
معبد بزرگ، «معبد پیشین»، هدایای نذری	۹۱
نوع اشیاء نذری و مذهبی	۹۲
سواران	۹۲
زیورها و اشیاء آرایشی	۹۶
اشیاء متنوع مفرغی	۹۹
اشیاء سنگی و شیشه‌ای	۱۰۲
کاسه و کوزه	۱۰۲
شکل ظروف	۱۰۴
تصاویری از آتنا	۱۰۷
ب. معبد هرکول	۱۰۹
پیکره	۱۱۱
مفرغ‌ها	۱۱۷
مجموعه‌های مختلف، زیورها	۱۲۱
آتنا و هرکول	۱۲۲
ج. ساخت و ساز شمال غربی	۱۲۵

فصل ششم

صفه مقدس، عصر پارتی	۱۲۷
ال. معبد بزرگ	۱۲۷
رواق‌ها، ستونها و پایه‌ها	۱۳۲
سرستونها	۱۳۵
آثار کشف شده در معبد بزرگ	۱۴۰
ب. بنای جنوبی	۱۴۶
ج. معبد هرکول - ورثرا	۱۴۷
پیکره	۱۵۲
وضعیت پاها	۱۵۷
آتشدان	۱۵۸

فصل هفتم

صفه مقدس، عصر ساسانی	۱۶۷
آیین زروان. کرتیر و آتروپارت، پسر مهراسپند	۱۶۷
۱) معبد هرکول. ورثراغنه. ریخته‌گری	۱۷۰
۲) صفه شماره ششم VI. زوال معبد هرکول. ورثراغنه	۱۷۱
۳) نیایشگاه غربی	۱۷۴
صفه. زاویه جنوب غربی	۱۷۹
گردش پول در زمان شاهان اول ساسانی	۱۸۰
آثار کشف شده در سطح صفه	۱۸۱

بخش دوم

فصل هشتم

رسیدن قبایل پارس	۱۸۷
استقرار آنها در جنوب غربی ایران و شکل‌گیری آنها	۱۸۷
پاسارگاد	۱۸۹
(۱) اقامتگاه رئیس	۱۹۰
(۲) قصبه	۱۹۰
(۳) صفه مقدس	۱۹۰
دو محراب	۱۹۱
نقش رستم	۱۹۳
کاربری اول، کاربری روحانیون	۱۹۵
کاربری دوم یا جنگاوران	۱۹۷
کاربری سوم	۱۹۹

فصل نهم

آبدن‌ها و دنیودان‌ها	۲۰۵
تاریخ	۲۱۳
سرزمین دنیوها	۲۱۶
ماد	۲۱۷

فصل دهم

مقدونی‌ها در مسجد سلیمان	۲۲۱
--------------------------	-----

فصل یازدهم

معبد «س»	۲۳۵
عصر مختار	۲۳۵
عصر سلوک	۲۳۷
معبد بزرگ	۲۴۱
تاریخ‌های «معبد بزرگ»	۲۴۲
معبد هرکول	۲۴۲
عصر یارتی	۲۴۳
مسجد سلیمان	۲۴۳
زوج آناهیتا و میترا	۲۴۴
تنگ سزوک	۲۴۷
گروه چهارتائی	۲۴۹
بردنشانده	۲۵۰
معبد چهارضلعی چهارستونی	۲۵۰
آبدن شوش	۲۵۱
تخت جمشید	۲۵۴
سه الوهیت	۲۵۹
«بخشندگان» و مؤمنان	۲۶۱
سیستان، کوه خواجه	۲۶۱
افغانستان، سرخ‌کتل	۲۶۲

آسیای مرکزی	۲۶۶
نیسا	۲۶۶
منصور - دبه	۲۶۷
مرو	۲۶۸
پنج‌کند	۲۶۸
نیایشگاه بودایی با ایرانی	۲۶۹
هند شمال غربی	۲۷۱
بین‌النهرین	۲۷۲
دورا - اوروپوس	۲۷۲
آشور	۲۷۳
تیسفون	۲۷۵
سوریه	۲۷۵
سیا	۲۷۵
پالمیر	۲۸۰
حسن مدهور و مناز هینون	۲۸۰
خاستگاه معبد چهارستونی	۲۸۰
تاریخ معبد چهارستونی	۲۸۱

فصل دوازدهم

چهره پارتی	۲۸۵
ویژگی چهره پارتی	۲۸۹
طبقه‌بندی بر اساس سلسله مراتب تاریخی	۲۹۱
دوره اول - آرایش سر به تبع بازمانده از هخامنشی	۲۹۱
دوره دوم - آرایش سر یونانی - ایرانی، یا یونانی - پارتی	۲۹۷
دوره سوم - بازگشت به حلقه مو در چهره پارتی	۳۰۱
آرایش موی سر پارتی - علامت طبقه اجتماعی	۳۰۴
چهره پارتی - خلاصه کردن حلقه مو	۳۰۸
آرایش سر سه سرکول	۳۱۲
چهره زنانه	۳۱۵

فصل سیزدهم

شعاع گسترش آرایش سر پارتی	۳۲۱
بین‌النهرین (میان‌رودان)	۳۲۲
آشور	۳۲۲
هترا	۳۲۳
نیپور	۳۲۴
سوریه	۳۲۴
دورا - اوروپوس	۳۲۴
پالمیر	۳۲۴
حما و حمس (Hama et Homs)	۳۲۸
آسیای صغیر	۳۲۸
افس	۳۲۸
مصر	۳۲۹
سیرنایک	۳۳۰
یونان	۳۳۱

روم	۳۳۱
مارزبان	۳۳۶
باکتریان	۳۳۶
سرخ‌کنتل	۳۳۶
آسیای مرکزی	۳۳۶
اجنه تپه (Adgina-Tepa)	۳۳۶
کوو (Kuva)	۳۳۷
قندهار	۳۳۷
روسیه جنوبی	۳۴۰
اولیا (Olbia)	۳۴۰
کیرچ (Kertch)	۳۴۰

فصل چهاردهم

نقش تمام‌رخ انسان در هنر پارسی	۳۴۳
نتیجه	۳۵۷

منابع و مأخذ	۳۶۷
منابع و مأخذ روسی	۳۷۹
تصاویر و طرح‌ها	۳۸۱ ۶۸۴

پیش‌درآمد

در این گزارش که مربوط به تحقیقاتی است که در کوههای بختیاری انجام داده‌ایم، ابتدا باید از ژاک دمورگان نام ببریم. او در آخر قرن گذشته [قرن نوزده] از این کوهستانها گذشته و [کشور] فرانسه توانست در پرتو او هیئت علمی [باستان‌شناختی] را در ایران به وجود آورد. این هیئت از سال ۱۸۹۷ متروپل [کلانشهر] قدیم شوش را مورد کاوش قرار داد.

در سال ۱۹۴۵ [۱۳۲۴ش] افتخار من جانشینی وی را داشتم و با این جانشینی، همسایه شرکت نفت ایران و انگلیس شدم که مسئولان آن هرگز نمی‌توانستند که به ژاک دمورگان، کاشف نفت در ایران، داشته‌اند، فراموش نکرده‌اند. این همسایگی توافق سخاوتمندانه بین قدرت جهانی نفت و هیئت محقر باستان‌شناختی ما به وجود آورد و کمک مؤثری در پی داشت و هرگز حتی من از انگزینی کنسرسیوم بین‌المللی نفت ایران به جای شرکت انگلیسی، نقض نگردید.

اولین بازدید من از مسجد سلیمان در ۱۹۴۷ [۱۳۲۶ش] بود. چون این محوطه صفه را با قطعات عظیم سنگ ساخته‌اند، آن را مسجد سلیمان نامیده‌اند. این نوع نامگذاری یکی از ویژگیهای نام‌گذاری ایرانی است. در ایران، بناها و یادمانهای عظیمی که هیچ نوع بیان دقیقی درباره آنها وجود ندارد، به سلیمان یا به رستم، قهرمان حماسی آنها، نسبت داده می‌شود. در سوریه و بخصوص در پالمیر، ویرانه‌ها را به اجنه یا به باومون منتسب می‌کنند.^۱

صفه مسجد سلیمان و صفه محوطه مجاور، یعنی صفه برد نشانده [سنگ نشانده شده]، جاذبه زیادی برایم داشتند؛ اولین تماسی که با صفه مسجد سلیمان داشتم، حفاری کوتاه مدتی بود که در ۱۹۴۷ [۱۳۲۷ش] بر روی آن انجام دادم.^۲ ولی کارهای هیئت در شوش، چغازنبیل، ایوان کرخه و جزیره خارک من را برهم کرد هفده سال صبر کنم و پس از این مدت بود که توانستم بر روی این دو محوطه بازگردم.

از همان ابتدای کار، حفاری صفه مسجد سلیمان مشکلی را پیش آورد که به نظرم حل نشدنی می‌آمد: قسمت

1. Yagut al. Hamaoui (1227), *Mujam al. buldan*, ed. Wastenfeld. Leipzig, 1866, 1870, t. I, p. 828. 831. cf. Adnan Bounni, "Antiquites palmyreniennes dans le contexte oral du Moyen Age". *Melanges Dunand*, vol. II, p. 331/2.

2. R. Ghirshman, *Syria*, vol. XXVII (1950), pp. 205. 220.

اعظم سطح صدف را گورستانی اشغال کرده بود که از عمر آن بیش از نیم قرن نمی‌گذشت. با این که قانون مذهبی شیعه اجازه می‌دهد که یک گور بعد از سی سال جابه‌جا شود، ولی برای یک هیئت باستان‌شناختی انجام چنین کاری مردود بود. به دلیل اهمیتی که آثار بازمانده داشتند و باید از زیر خاک بیرون آورده می‌شدند، تصمیم گرفتم موضوع را با شاه ایران در میان بگذارم. امریه‌هائی که از سوی اعلیحضرت شاهنشاه ایران برای آزادسازی صدف صادر شد، اجازه کاوش در آن منطقه را فراهم آورد. بنابراین در پرتو الطاف عالی‌ه شاهنشاه بود که توانستیم حفاری را انجام دهیم و نتایج آن را در این چند جلد ارائه کنیم.

پیکر تراشی‌های کشف شده بر روی دو محوطه، به جز تکه پاره‌های نادری که وارد موزه لوور شده‌اند - در موزه باستان‌شناسی تهران و بخصوص در موزه‌ای که در شوش، در پای قلعه هیئت [قلعه شوش] تشکیل دادم، به نمایش گذاشته شده‌اند. در این کتاب پیکره‌ای از مجموعه رابنو Rabenou [رب النوع؟] که در نیویورک (لوح ۱۲۸) است و نقش برجسته که بلا مرمت شده‌ای از موزه هنری متروپولیتن نیویورک (لوح ۱۲۷) و نیز یافته‌هائی را که روستائیان در ایزد - مالیر (لوح‌های ۱۲۸ و ۱۲۹) پیدا کرده‌اند و در موزه شوش نگهداری می‌شوند و همچنین یافته‌هائی را که بازهم روستائیان بصورت اتفاقی در کلگه، نزدیکی مسجد سلیمان، یافته‌اند و به یک مجموعه شخصی تعلق دارند، اضافه کرده‌ام.

برای کاوش‌های این دو محوطه از ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۲ نه فصل حفاری کوتاه مدت اختصاص داده شد که سه فصل آن در بردن‌شده و شش فصل دیگر در مسجدها بود. این حفاریها جمعاً نه ماه به طول انجامید. پس از بازنشستگى‌ام به سال ۱۹۶۷ که نقطه پایانی برای فعالیت من در شوش بود، آماده بودم که فعالیت‌هایم در مسجد سلیمان را نیز متوقف کنم، ولی سرپرستان کنسرسیوم بعد از آنکه دفتر مرکزی این کنسرسیوم در همین شهر مسجد سلیمان برپا بود و نتایج حاصله از این حفاریهای باستان‌شناختی را این شهر نیز برایشان خیلی جالب بود، پیشنهاد کردند که با هزینه آنها به تحقیقات خود ادامه دهم.

به این ترتیب از این تاریخ به بعد، «هیئت» ما که پنج سال بود به باریس رگشته بود، به من، همسر همراه با دوست وفادارمان احمد اعتمادی که در کارگاه، حدود چهل سال با من کار کرده بود، به حدود ده نفر تقلیل یافت. معمار هیئت ما نیز به نام گش در سه فصل آخر حفاری به ایران بازگشت تا آنجا که آزاد شده نقشه‌برداری کند. تمام تشکیلات استقراری ما از سال ۱۹۶۷ [۱۳۴۶ش] در طول پنج سال آخر سیات، فقط اتاقی بود که در مهمانسرای در اختیار ما گذاشته شده بود. علاوه بر وسایل شوش، جیب قراضه‌ای نیز در اختیار داشتیم.